فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره نوزدهم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۲-۶۳ New Period, No 19, 2019, P 63-72
شماره شاپا (۲٤۷٦-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

بررسی اندیشه‌ها و تئوری‌های نظری گروه فدائیان اسلام به منظور ظهور مجدد جریان تفکر شیعه در مبارزات آزادی‌خواهی

سید جواد غائب
کارشناسی ارشد مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

چکیده

اصولاً مبارزه طلبی و مقابله با ظلم و جور در تمام عرصه‌ها وجود داشته است و کشور ایران ازین قاعده مستثنی نبوده است، که درادوار مختلف پادشاهی و حکومتی این موضوع از سوی روشن ضمیرها متعدد دنبال می‌شده است. در همین راستا به جمعیت فداییان اسلام اشاره نمود. شهرت فدائیان اسلام مدیون کلام نافذ رهبر آنان نواب صفوی و ترورهای با اهمیت و پرسروصدای آنان در تاریخ معاصر ایران است، یک گرایش مذهبی انقلابی به شمار می‌رود که تأثیر عمیقی در صحنهٔ سیاسی و مذهبی ایران بر جای گذاشت. این حرکت پس از یک دوره سرکوبی دینی و مذهبی شدید در دوره رضاخان، آغاز شد و با هدف ایجاد حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلام، به روش خاص فدائیان، به سرعت رشد کرد. شعار اجرای قوانین شرعی، و اینکه عمل به آن می‌تواند ایران را نجات دهد، آن هم پس از آنکه سراب بودن ادعاهای اصلاح‌گرایانهٔ رضاخان و وابستگانش از میان روشنفکران و روحانیون اصلاح طلب آشکار شده بود، زمینهٔ پذیرش مردمی فراوانی میان متدینین داشت، حرکت‌های سیاسی که معارض با استبداد بود در قالب‌های مختلف روشنفکری و یا دینی سازمان می‌یافت و نیروهای مذهبی با تمرکز به تفکر شیعه در عرض نیروهای روشنفکرمبارز قرار می‌گرفت اینک با حضور امام در صحنه سیاست نیروی مذهبی با احاطه و گسترش خود دیگر نیروها را پوشش می‌دادند. در این مقاله تلاش شده است، این نگاره به دلیل اهمیت ضرورت و اهمیت این پژوهش با هدف تبیین و بررسی و نگرش فداییان اسلام مبتنی بر تفکر شیعه به رشته تحریر درآمده است.

واژه‌های کلیدی: فدائیان اسلام، اصلاح‌گرایانهٔ، تفکر شیعه، نواب صفوی، آزادی‌خواهی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

مقدمه

نگاهی به فعالیت گروه‌های مختلف ملی و مذهبی در حوالی سال ۱۳۰۰ خورشیدی، نشان از آن داشت که به رغم ضربه‌ای که مشروطه و روند غربگرایی بر پیکرهٔ اسلام گرایی در ایران و به خصوص مذهب در عرصهٔ سیاست زده بود، متدینین تلاش‌هایی را برای احیای روند اسلام گرایی با رویکرد جدید که اساس آن انطباق دین با فضای جدید فکری دنیا بود، آغاز کردند. در واقع، طی یک دورهٔ پانزده ساله، میان روحانیون سنتی که دیگر رغبت به مشارکت در سیاست نداشتند با کسانی از آنان که تلاش می‌کردند دین را به صورت فعال در عرصه نگاه دارند، شکاف افتاد. هر بار جمعی تلاشی را در این جهت آغاز می‌کردند، اما پدید آمدن بحران‌های سیاسی، همچنین عدم وجود یا کافی نبودن تئوری‌ها و تشکل‌های لازم برای ایجاد چنین تحولی سبب می‌شد تا فعالیت‌های یاد شده، به سرانجام نرسد. در ایران، این قبیل فعالیت‌ها، با برآمدن رضاشاه رو به افول گذاشت و اندکی پس از آن، به طور کامل و به اجبار به انزوا رفت. این زمان هنوز متدینین قدرت زیادی داشتند و البته بدون اجبار رضاخانی، امکان بیرون راندن این جماعت از صحنه نبود.

تاریخ پیدایش فدائیان اسلام

در سال‌های بعد از شهریور ۱۳۲۰ که از فشار زیاد هرج‌ومرج، مردم به هر نقطه‌ای نشر می‌شدند، موقعیت خوبی بود که شیادان اجتماع دام‌های سوء استفاده خود رابگسترند و هرکس بنا بر استعداد و موقعیت و طرز تفکرش در اجتماع بنا بکند و غالب حزب‌سازی‌ها و مسلک تراشی‌ها نیز در همین سال‌ها شروع شد.

در این موقع، احمد کسروی هم که در ایام جوانی بر اثر اختلافاتی از محیط روحانیت خارج شده و کینه روحانیت را به دل گرفته بود، فرصتی مناسب دید که انتقامی باز ستاند و دکانی باز کرد تا دنیائی آباد، برای خود بسازد.

این فکر در مغز او قوت گرفت و شروع بکار نمود و نشریاتی منتشر کرد، اندک‌اند که بازارش رونقی گرفت، اهانت به مقدسات دینی را شروع نمود. این خود زنگ خطری بود که در گوش مسلمین بصدا در آمد، دست‌هائی نامرئی که همیشه صداهائی را که ایجاد نفاق می‌کند تقویت می‌نمایند، شروع به فعالیت کردند و مسلک کسروی را روزبروز توسعه دادند و در اطراف آن سر و صدا راه انداختند. به امید آنکه باز هم مسلمانان را بجنگ و نفاق داخلی مشغول کرده به اجرای نقشه‌های ظالمانه خود موفق شوند. در این موقع غالب نویسندگان مسلمان مبارزات قلمی خود را آغاز نموده و در فکر ریشه کن کردن نهال مفسدی بودند که داشت در اعماق قلوب بی‌خبران از معارف اسلام ریشه می‌دوانید، ولی کسروی مطالب مستدل آنان را با سفسطه و ناسزا، پاسخ می‌داد. (خسروانی، ۴۶:۱۳۱۷)

کارهای کسروی کم کم در اثر تقویت بیگانگان غوغائی بپا کرد. مقداری از شریانش به نجف اشرف که آن روز مرکز أول روحانیت و حوزه علمیه تشیع بود، می‌رسد. یکی از آن کتب در یکی از مدارس نجف

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

(مدرسه آخوند) به حجره‌ای راه می‌یابد. آنجا محل اقامت سیدمجتبی نواب صفوی بود. که در همان بهبوهه به رهبریت نواب صفوی فدائیان اسلام شکل گرفت. (افشار، ۷۴:۱۳۵۹)

تاثیرحضور نواب صفوی در تفکر بنیادین فداییان اسلام

سید مجتبی نواب صفوی که در آن ایام بیستمین سال زندگی خود را طی می‌کرده جوانی بود که در سال ۱۳۰۳ در محله خانی آباد تهران در یک خانواده متدین پا به جهان نهاده بود. او سنین کودکی را در همان محله طی نموده و دوران تحصیل ابتدایی را در دبستان حکیم نظامی گذرانیده، سپس وارد دبیرستان صنعتی گردید و پس از چندی به‌منظور تکمیل تحصیلات بار سفر بسته و از طریق اهواز، آبادان، بصره به نجف رفت.

نواب صفوی در اندک مدتی با زبان عربی آشنا شد و با حرارت و گرمی خاص خود، دوستانی علاقمند یافت. هنوز بیش از چند سال از تحصیل وی نگذشته بود، ولی مراحل عالی دروس دینی راضی نموده بود که روزی در حجره مدرسه، کتابی از کسروی به دستش رسید که آتشی به قلبش زد و از جای حرکت داد و با خود گفت چگونه یک فرد مسلمان زنده باشد و به ساحت اولیاء دین جسارت شود؟ آیا این سزاوار است در عرض چند روز در میان طلاب و علماء نجف هیجانی ایجاد نمود و بالاخره بنابر تصمیم بعضی از علماء نجف (از ذکر نامشان بعلت آنکه ممکن است راضی نباشند، خودداری می‌شود)، بنا شد که ایشان به نمایندگی از طرف حوزه علمیه به ایران آمده و پس از انجام مقدماتی در مسیر راه، به تهران وارد شود و با تغییر افکار منحرف شده جوانان، بساط کسروی را جمع کند، ولی بعللی این نقشه تغییر یافت و بطور عادی از طریق بصره وارد ایران شد.

در ابتدای ورود به ایران، مردم به ایشان اطلاع دادند که کسروی در آبادان عده زیادی از جوانان را اغفال نموده است، بدین مناسبت چند روز در آبادان توقف کرد که با مردم صحبت کند. (بشیریه، ۹۸:۱۳۷۶)

نواب صفوی یک آرمانگرا بود و با اعتقادات دینی و آرمانگرایی اسلامی شیعی به دنبال نیل سریع به اهداف اسلامگرایانه و اندیشه‌های دینی خود بود. وی که خواستار اجرای قوانین اسلامی توسط دولت و رجال سیاسی کشور بود، بدون هیچگونه ملاحظه سیاسی اهداف اسلامی تشکیلات خود را دنبال می کرد. این دو تفکر و اندیشه متفاوت قطعا نمی‌توانست آن دو را در مبارزات و تصمیم‌گیری های سیاسی به طور مداوم همراه و همگام سازد. (بشیریه، ۴۹:۱۳۷۸)

ویژگی‌های اندیشه‌ای جمعیت فدائیان اسلام

با توجه به اینکه، هدف اساسی سازمان فدائیان اسلام اجرای احکام اسلام بوده است، چنین برمی‌آید که فعالیت سیاسی فدائیان چندین محور فکری داشته است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

یکی از جاذبه‌های اصلی فدائیان اسلام، تعهد و تقدس شخصی آنان به مبانی شرعی و حس مسؤولیت پذیری دینی آنان بود. تقریبا این قبیل ویژگی‌ها را در زمینهٔ تقید به عبادات و مستحبات گرفته تا دیگر مظاهر دینی، برای بیشتر افراد فدائیان، به ویژه نواب نقل کرده‌اند. این مسأله سبب جذب بسیاری از جوانان متدین آن روزگار به فدائیان می‌شد. رفتارهای آنان به ویژه در برابر انحرافات دینی، بسیار جدّی بود؛ به طوری که اگر کسی از بیرون بدانان می‌نگریست، آن‌ها را فوق العاده احساساتی می‌دید. شجاعت و اعتماد دینی واقعی آنان را هم که در عمل آنان نمود داشت، باید در ردیف همین ویژگی‌های آن‌ها برشمرد. (حائری، ۱۱۲:۱۳۹۶)

نوع نگاه فدائیان اسلام به اسلام، نگاهی فراگیر و جامع و به قول امروزی‌ها حداکثری بود. آنان اسلام را آیینی می‌دانستند که برای همهٔ ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و می‌تواند یک تمدن انسانی بزرگ را ایجاد کند.[۱]

فدائیان اسلام به طور مشخص، به لحاظ فکری روی چهار اصل تکیه داشتند:

۱- اسلام نظام کامل برای زندگی است.

۲- قومیت‌گرایی در اسلام نیست و اتحاد شیعه و سنی باید حفظ شود،

۳- تضادی بین اسلام و وطن‌خواهی نیست.

۴- اتحاد جهان اسلام با اجرای قوانین اسلامی ممکن بوده و تنها در این شرایط است که مشکلات مسلمانان حل می‌شود. نواب از همان سال‌های نخست فعالیت در اندیشهٔ وحدت اسلامی بود، اما این اواخر در جریان ارتباطش با اخوان المسلمین روی این مسأله حساسیت بیشتری نشان می‌داد. وی در سال ۲۶ به همین منظور با فرید خانی سفیر سوریه در تهران ملاقات کرد و برنامه‌ای برای اتحاد ملل اسلامی مطرح نمود. (صفایی، ۱۸۰:۱۳۵۹)

حرکت فدائیان اسلام، میان قشری متدیّن از جوانان بازاری تأثیر جدی گذاشت؛ طوری که بعدها، در جریان تحولات سال‌های ۴۱ و ۴۲ شماری از آنان در اطراف امام فعالیت خود را آغاز کردند و تشکیلات مؤتلفه را ایجاد نمودند. البته اعضای مؤتلفه، از فدائیان نبودند اما بی‌تردید سنخ وجودی آنان در امتداد همان نیروهای اصلی فدائیان بود. در واقع، خواستگاه فدائیان ترکیب طلبگی ـ بازاری داشت و این ترکیبی بود که بعدها هم در جریان انقلاب اسلامی به عنوان پشتوانه برخی از حرکت‌های اسلامی خود را نشان داد و تا روزگار ما همچنان در قالب بازار کهن ـ نه بازار نوین ـ خود را حفظ کرده است. تأثیر آن‌ها در نسلی که بعدها انقلاب اسلامی را پدید آورد، بسیار روشن است. (کسروی، ۱۴۰:۱۳۹۳)

۱- این مسأله که اسلام برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر قانون دارد، منهای آنچه که از گذشته در فقه اسلامی وجود داشت، به صورت یک گرایش مسلط در گرایش نوین اسلام سیاسی - که به مرور بر جریان مبارزه غلبه کرد و جای رژیم پهلوی را گرفت- درآمد. سال‌ها پیش از سقوط پهلوی، امام در پاسخ اتحادیه انجمن‌های اسلامی اروپا و آمریکا نوشتند: همین دستگاه‌های مرموز نگذاشته‌اند طلبه تحصیل کرده به احکام مقدسه اسلام به خصوص قوانین تشکیلاتی و اجتماعی و اقتصادی آن توجه کنند و با تبلیغات گوناگون وانمود نموده‌اند که اسلام جز احکام عبادی مطلبی ندارد، در صورتی که قواعد سیاسی و اجتماعی آن بیشتر از مطالب عبادی آن است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

یکی از روش‌های فدائیان بهره‌گیری آنان از شماری از نیروهای عمومی بود که بیشتر تحت عناوین پهلوان یا عناوینی مانند آن، در محلات مختلف شهر از قبیل سنگلج و پاچنار و غیره به ویژه جنوب شهر زندگی می‌کردند. این گروه که در تاریخ ایران این دوره نقش فعالی داشته و خصلت‌ها و اقداماتشان نیازمند یک بررسی عمیق است، تحت تأثیر عزاداری‌های محرم، به قشری خاص از روحانیت گرایش داشتند. از این جماعت، دسته‌های مختلف سود می‌بردند. برخی از آن‌ها روی شاه پرستی که به نوعی در فرهنگ عرفی ایران جایگاه خاصی داشت، به دربار پیوستند کسان دیگری از آنان، از روی عشق به مذهب و روحانیت، به این سوی آمدند و به مبارزین پیوستند. نواب از کسانی بود که اهمیت بهره‌گیری از اینان را درک می‌کرد و گاه در مجالس آنان منبر می‌رفت. (عراقی، ۱۱۴:۱۳۷۰)

مبارزه قاطع فدائیان به شخص شاه و اصل سلطنت، در یک دورهٔ تاریخی، نشان داد که در حرکت‌های مذهبی، بر خلاف جریان‌های ملی، سلطنت و شاه می‌تواند به صراحت مورد حمله قرار گیرد. این امری بود که در نهضت پانزده خرداد به صراحت خود را نشان داد.

فدائیان نخستین بار یک سازمان سیاسی ـ نظامی را پدید آوردند. طبعا تأسیس سازمانی با این ویژگی‌ها، تجربهٔ جدیدی در ایران بود. نکتهٔ مهم آن بود که عدم مخفی کاری آنان از روز اول سبب شده تا بیشتر اعضای آن، بویژه چهره‌های برجسته، برای دولت و مردم شناخته شده باشند. با این حال، این گروه تا این اندازه هشیار بود که بخشی را در پشت پرده نگاه داشته و چهره‌هایی مانند نواب را که امکان پنهان کردن چهره‌اش به عنوان یک فعال پشت پرده نبود، در بخش فعالیت‌های علنی قرار دهد.[1] این سازمان که هدف مشخصش سرنگونی رژیم پهلوی بود، با اعتقاد به عدم امکان اصلاح سیستم از طریق انتخابات با دیگر روش‌های مسالمت‌آمیز، به سیاست نبرد مسلحانه با نظام فاسق، آن هم با استراتژی حذف فیزیکی عناصر کلیدی روی آورد. (آصفی، ۹۶:۱۳۷۰)

ظهور مجدد جریان تفکر شیعی در فدائیان اسلام

نظام مرجعیت در شیعه، سابقهٔ استواری در تاریخ یک هزار و دویست ساله این مذهب دارد. برای دنبال کردن ریشه‌های این نظام، باید تاریخ تشیع و علما و فقهای آن را از قرن چهارم و پنجم هجری مانند شیخ صدوق (م ۳۸۱) شیخ مفید (م ۴۱۳) شیخ طوسی (۴۶۰م) و سپس تک تک علمای برجستهٔ شیعه تا روزگار صفوی و از آنجا تا دورهٔ قاجار دنبال کرد. مرکزیت، گاه در بغداد و نجف و حله و زمانی در ری و قم و اصفهان مستقر بوده است.

روحانیت شیعه پس از مشروطه، ضربهٔ سختی را متحمل شد که بخشی از آن به اختلاف نظر میان خود مراجع طرفدار و مخالف مشروطه و در رأس آن‌ها آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی بر می‌گشت. با این ضربه و پس از تحکم رضاخان بر مسند قدرت در ایران، امیدی برای احیای مرجعیت در ایران نبود؛

۱- در این باره کرباسچیان فهرست اسامی افراد بخش پنهانی و علنی را به تفکیک بیان کرده است. یالثارات، ش ۲۱۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

تا اینکه با فعالیت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری در تأسی حوزه علمیه قم به سال ۱۳۴۰ قمری/ ۱۳۰۱ شمسی، مرجعیت شیعه احیا شد. در دورهٔ مرجعیت ایشان در قم، افزون بر ایجاد حوزه، با تأسیس بیمارستان و اقدامات دیگر، بخشی از کارهای عمرانی شهر قم نیز رونق گرفت. پانزده سال بعد، زمانی که مرحوم حائری در ۱۷ ذی قعدهٔ ۱۰/۱۳۵۵ بهمن ۱۳۱۵ درگذشت. مرجعیت، دوران بسیار دشواری را پشت سر گذاشته بود.

تجدید نظرخواهی فداییان اسلام و تمرکز تفکر شیعی

در واقع بسیاری از جنبش‌های فکری و سیاسی که دعوی اصلاح‌گری دارند، تجدید نظر طلبانی هستند که دانسته یا نادانسته در پی ایجاد تغییرات بنیادی در اصول‌اند وحفظ ارزش‌ها واصول تفکر شیعی در روند نظام تمرکز دارنداصولی که براساس یک عرف علمی و عملی هزار ساله در میان مسلمانان، پایه‌های اعتقادی و دینی(شیعی) آنان را تشکیل می‌دهد. در این زمینه اصطلاحاتی مانند، اصلاح طلبی، نوگرایی، تجدیدنظرطلبی و. . . کلماتی هستند که در طول یک قرن و نیم در ایران و سایر کشورهای اسلامی رواج یافته و در هر مورد، محدودهٔ تعریف و اصول و ابهامات خاص خود را دارد. (احمدی جناتی، ۵۶:۱۳۷۴)

در دورهٔ پس از مشروطه به ویژه عصر رضاخان، فعالیت بر ضد دین، با انتقاد از دین و تحت عنوان خرافه‌زدایی از فرهنگ عامه آغاز می‌شود. انتقاد گاه از سوی عناصر خودی و به صورت درونی است و گاه به دنبال فشار افکار بیرونی و در ادامهٔ نفوذ تفکر بیگانه. آنچه در این دوره رخ داد، انتقاد از مذهب تشیع به صورت افراطی، از سوی کسانی بود که اصولا و غالب آنان نسبت به اصل دین و مذهب مسأله دار بوده و از لائیسم غربی و اندیشه‌های پوزیتیویستی جانبداری می‌کردند. خود رضاشاه گه‌گاه در سخنرانی‌های عمومی که برایش تنظیم می‌شد، از این موضع ضددینی دفاع می‌کرد. در سخنانی که از وی در روز غدیر سال ۱۳۵۵ ق/ ۱۳۱۵ش از او نقل شده آمده است: خیلی‌ها در اشتباه هستند و تصور می‌کنند معنی تجدد و اخذ تمدن امروزی دنیا این است که اصول دیانت و شرایع را رعایت نکنند و یا اینکه کسب تجدد و تمدن مغایرتی با دین و مذهب دارد. و حال آنکه اگر مقنّن بزرگ اسلام در حال حاضر در مقابل این ترقیات عالم وجود داشت، موافق بودن اصول شرایع حق خود را با وضعیت و تشکیلات تمدن امروز نشان می‌داد». (خسروانی، ۵۸:۱۳۱۷)

تبلیغات ضد مذهبی شدید و ترویج تجددگرایی رضاشاهی، برخی از نویسندگان را نیز تحت تأثیر قرارداد و آنها را واداشت تا برخی اعتقادات سنتی و مذهبی رایج را نفی و انکار کنند از جمله این افراد کسروی حکمی زاده و شریعت سنگلجی را می توان نام برد علاوه بر فعالیت ضد مذهبی این گروه از روشنفکران عناصر وابسته به جریان چپ که بعدها به تأسیس حزب توده مبادرت کردند نیز فعالیت چشمگیری را در دوره رضا شاه آغاز کردند که به دستگیری و محاکمه ۵۳ نفر درسال ۱۳۱۷ ش، انجامید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

از آنجا که دیدگاه‌های مذهبی و استنباط‌های فکری شریعت سنگلجی برخلاف اجماع علمای شیعه بود چنین نگرش مدرنی به اصول و اعتقادات مذهبی مورد حمایت رژیم قرارگرفت و نظریان وی بدون مخالفت شهربانی، درمنابر و مجامع عمومی تبیین گردید و کتاب اسلام و رجعت سنگلجی درسطح گسترده چاپ و منتشر شد حکمی زاده یکی از همفکران کسروی نیز کتاب ضددینی اسرار هزارساله را تحریر کرد و منتشر ساخت کسروی هم بشدت قلم خود را علیه مکتب اسلام اولیای دین و بخصوص مذهب شیعه بکار برد و علاوه برچاپ روزنامه‌های پرچم و پیمان به انتشار کتب انحرافی اقدام کرد. (خسروانی، ۷۴:۱۳۱۷)

درمیان فعالیت‌ها و اقدامات انحرافی نویسندگان و روشنفکران نوشته‌ها و حرکات سیاسی کسروی بیش از همه بر جریانات سیاسی اجتماعی جامعه پس از شهریور ۱۳۲۰ تأثیر نهاد و غائله‌ای برپا ساخت که به قتل وی توسط فدائیان اسلام درسال ۱۳۲۴ انجامید.

همینطور تجربه تاریخی تاکنون حاکی از این بوده است که هرگاه ملی‌گرائی ایرانی پیوندش را با تشیع سست کرده و جنبه عرفی به خود گرفته پویایی سیاسی و اجتماعی‌اش را از دست داده و نتوانسته بر توده مردم تأثیر نهد؛ بنابراین تصور پیوند ملی ایرانیان بدون پیوستگی مذهبی بین آنان، نگرشی غیرتاریخی است.

عملکرد فداییان اسلام

«استراتژی مشخص فداییان اسلام، براندازی رژیم شاهنشاهی و برقراری حاکمیت اسلام و شعار آنان الاسلام یعلو و لایعلی علیه» بود و با همین ویژگی در داخل و خارج شناخته می‌شدند». (محتشمی پور، ۳۷:۱۳۷۶).

اتخاذ استراتژی مسلحانه، توسط فداییان اسلام، دلایل متعددی داشت که وجود حکومت دیکتاتوری، جو خفقان و سرکوب مخالفین توسط رژیم از جمله آنها بود. مهمترین نقش سیاسی فداییان اسلام در اوج نهضت ملی شدن صنعت نفت و موفقیت آیت الله کاشانی و دکتر مصدق، ظاهر گردید. آیت الله کاشانی از بازوی نیرومند فداییان اسلام به عنوان یک عامل فشار در پیشبرد مقاصد خود سود برد.

ولی همکاری فداییان اسلام با آیت الله کاشانی به معنی همسویی و موافقت در خط‌ومشی نبود؛ زیرا فعالیت مرحوم کاشانی بیشتر در چارچوب نظام مشروطه و قانون اساسی بود، ولی نواب صفوی شکستن این قالب‌ها را هدف عملیات سیاسی - نظامی خود قرار داده و راه نظامی را برگزیده بود. فداییان اسلام معتقد بودند به جای شعارهای ملی، باید شعارهای اسلامی مطرح شود و حکومت قرآن و حاکمیت قوانین الهی و نهادینه کردن تفکر شیعی را، جایگزین قوانین مخالف شرع گردد. در حالی که آیت الله کاشانی اندیشه‌های نواب صفوی را تند، و هدف‌های فداییان اسلام را حداقل در آن شرایط غیرقابل تحقق می‌دانست. (عراقی، ۴۶:۱۳۷۰)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

محورهای فکری فدائیان اسلام

با توجه به اینکه، هدف اساسی سازمان فدائیان اسلام اجرای احکام اسلام بوده است، چنین برمی‌آید که فعالیت سیاسی فدائیان سه محور فکری داشته است.

۱. انتقاد نسبت به برداشت سنتی از دین و نیز روحانیان بی عمل: نواب صفوی در این باره معتقد است؛ «سالیان درازی است که پرده‌های تاریک شومی بر روی حقایق نورانی اسلام به رنگ‌های مختلف کشیده و از تابش اشعه نورانی آن حتی بر افکار و دل‌های فرزندان اسلام و ملل اسلامی جهان جلوگیری نموده.» در نظر وی اسلام دین عمل و تحرک است. اما زنگار خرافات چهره حقیقی دین را پوشانده و در این میان تقصیر و کوتاهی متوجه متولیان دینی است. «آخوند مغرض به نوعی آن را دچار خرافات می‌کرد، مداح و روضه‌خوان اسلام را تنها دین گریه و زاری می‌پنداشت، بعضی از تاجرهای بازاری با اخذ رشوه و نزول سعی بر این داشتند که کلاه شرعی و خرافه‌هایی بسازند و اسلام را مدافع خود جلوه دهند.» (طباطبائی فر، ۱۴۰:۱۳۸۶)

بنابراین برای دستیابی به حقیقت اسلام، باید از آن خرافه‌زدایی نمود و آن را از بستر تنگ‌نظری‌ها و تاریک‌اندیشی‌ها نجات داد. چه «اسلام» راه رستگاری و نجات بشر است.

۲. دومین محور فکری فدائیان، اعتقاد به آمیختگی دین با سیاست و نیز انتقاد به پرهیز روحانیان از دخالت در عرصه های سیاسی است. به اعتقاد آنان «جدا انگاشتن دین از سیاست در میان روحانیان، روح خمودگی و بی‌اعتنایی نسبت به مسائل جامعه و خودسری‌های حکومت در سرنوشت امت مسلمان، پرورده بود. فدائیان اسلامی سعی کردند تا جو یخ‌زده و منجمد حوزه علمیه قم را بشکنند و سکوت و بی‌تفاوتی طلاب و علمای بزرگ را با تحرک و مبارزه‌جویی جایگزین سازند.» (باقی، ۷۹:۱۳۸۲)

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه در متن این نگاره بدان اشاره گردید می‌توان گفت جمعیت فدائیان اسلام برخاسته از مبانی فکری شیعی به منظور پرهیز از زیر بارظلم قرار گرفتن جریان‌های فکری و حکومت نامشروع از حیث دینی بوده است. به عبارت دیگر نشات گرفته از روح آزادی‌خواهی و مذهب وشرع جعفری بوده است. بعنوان مثال می‌توان گفت این جمعیت در قبال مبارزه با پلیدی‌های پلشتی‌های که در جامعه آن دوران که وجود داشت تشکیل گردید. و با تکمیل و تشکیل قوا و پتانسیل فکری سعی در گردآوری نیروها و یارگیری از سایر احزاب و نیروهای به منظور تشکیل یک تشکل منظم و مستقل نمود. جمعیت فدائیان اسلام که در راس آنان طلبه مبارز نواب صفوی حضور دارد به عنوان یکی از جناح‌های شیعی با رویکرد نظامی دانست. البته لازم به ذکر است عموما تمامی فعالیت‌های یک جریان فکری حزبی و توده در پهنه همه انقلاب‌ها ایده‌آل نبوده و نخواهد بود زیرا ایجاد این چنین تشکل‌هایی برگرفته از اندیشه‌هایی است که

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ممکن است در آن سوگیری‌ها و جهت‌گیری‌های سیاسی غیرمستقلانه‌ای مشهود باشد. به همین دلیل می‌بایست گفت همه جریان‌ها و احزاب به صورت معصومانه و صادقانه رفتار نکردند. اما انچه را که در تاریخ مشهود است، مبارزه طلبی علیه نظام استبداد و همچنین ایجاد یک شاخه نیمه‌نظامی به منظور پاکسازی جامعه از پلیدی‌ها پلشتی‌ها در بدنه حکومت تشکیل شده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع و مآخذ

ـ احمدی جناتی، محمدابراهیم، (۱۳۷۴) ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تهران: انتشارات کیهان.

ـ افشار، ایرج (۱۳۵۹). اوراق تازه یاب مشروطیت، تهران: انتشارات جاویدان.

ـ آصفی، محمدمهدی (۱۳۷۰)، تاریخ فقه شیعه، ترجم: عادالرا محمدحسین زاده، قم :قدس.

ـ باقی، عمادالدین (۱۳۸۲). تولد یک انقلاب، زمینه‌ها و عوامل پیدایش انقلاب ایران، تهران: سرابی

ـ بشیریه، حسین (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.

ـ بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران: علوم نوین.

ـ حائری، عبدالهادی (۱۳۹۶). تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: امیر کبیر.

ـ سیدعلی اکبر محتشمی‌پور، (۱۳۷۶) خاطرات سیدعلی اکبر محتشمی پور، تهران: مؤسسه انتشارات سوره.

ـ صفایی، ابراهیم (۱۳۵۹). رهبران مشروطه، تهران: فرهنگ و هنر.

ـ طباطبایی فر، سید محسن (۱۳۸۶). نظام سلطانی از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، تهران: نشر نی.

ـ علیرضا خسروانی (۱۳۱۷) ریشه شیعه و پایه‌های آن. به نقل از صفحه نخست ترجمهٔ فارسی کتاب «اصل الشیعه واصولها»، تهران.

ـ علیرضا خسروانی (۱۳۱۷) ریشه شیعه و پایه‌های آن. به نقل از صفحه نخست ترجمهٔ فارسی کتاب «اصل الشیعه واصولها»، تهران.

ـ کسروی، احمد (۱۳۹۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیر کبیر.

ـ مهدی عراقی، (۱۳۷۰)، ناگفته‌ها، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

ـ مهدی عراقی، (۱۳۷۰)، ناگفته‌ها، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]